

ادامه از صفحه اول

پیش‌نیاز اجرای سند تحول قضائی

قوه قضائیه براساس قانون اساسی وظایفی را بر عهده دارد که عمده آنها عبارت‌اند از:

– قضاوت و حل‌وفصل اختلافات

– نظارت بر حسن اجرای قوانین

– بازرسی از دستگاه‌های اجرایی و شناخت نقاط ضعف و ارائه پیشنهاد اصلاحی

– رسیدگی به شکایات مردم از مسئولین دولتی

– نظارت بر آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های دولتی

– مقابله با جرائم و تعقیب و اصلاح مجرمین

– احقاق حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع. قانون اساسی مسئله قضا را در رابطه با پاسداری از حقوق مردم و به‌منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری حیاتی قلمداد کرده است و ایجاد سیستم قضائی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم را ضروری دانسته است. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه و اجرای عدالت و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین و نظارت بر حسن اجرای قوانین بر عهده قوه قضائیه است.از مشکلات عمده دیگر دادگستری اطلاع دادرسی است که راه‌حل آن هم فشار به قضات برای رسیدگی سریع‌تر نیست که متأسفانه مسئولین عالی‌رتبه قضائی بعضا بر سرعت و شدت برخورد با مجرمان تأکید دارند که سرعت و شدت هر دو می‌تواند قضا را از عدالت دور کند.با آنچه شرح آن رفت، ایجاد تحول در قوه قضائیه مسئله‌ای پیچیده است، تحول نیاز به انسدادهای متحول دارد. پرونده فساد اخیر که در بالاترین سطوح قوه قضائیه مطرح شد مسئله‌ای نبود که یک روزه اتفاق افتاده باشد. ریاست محترم قوه قضائیه برای ایجاد تحول در دستگاه قضائی با موانع جدی در حوزه مدیران و بخشی‌های دیگر مواجه است. نباید سند تحول قضائی سرنوشتی شبیه منشور حقوق شهروندی ریاست‌جمهوری داشته باشد. ایجاد تحول در قوه قضائیه به برنامه نیاز دارد و برنامه علاوه‌بر نیروهای آموزش‌دیده و کارآمد به منابع مالی نیاز دارد. در طول یکی، دو سال گذشته قدرت خرید قضات نصف شده است. یک قاضی جوان که وارد سیستم قضائی می‌شود اگر بتواند ۳۰ درصد حقوقش را پس انداز کند به قیمت امروز بعد از ۳۰ سال خدمت نمی‌تواند مالک یک آپارتمان صد متری در شهرهای بزرگ باشد با این شرایط، ایجاد تحول دشوار است. سطح رضایت‌مندی در قضاوت و کارکنان دادگستری پایین است. فشار کار و انتظارات ارباب رجوع گسترده است و باید برنامه دقیق برای کاهش ورودی‌های پرونده طراحی شود و فشار روی قضات برای بالابردن آمار رسیدگی‌ها نمی‌تواند مانع اطلاع دادرسی شود.پیشگیری از وقوع جرم اگرچه قانوناً از وظایف قوه قضائیه است و در برنامه تحول قضائی هم روی آن تأکید شده، ولی ابزار آن در دست دیگران است. پیشگیری نیاز به آموزش عمومی دارد ولی نه آموزش وپروورش و آموزش عالی و دستگاه‌های فرهنگی در اختیار قوه قضائیه است و نه صداوسیما. پیش از انقلاب، اندیشمندانی مثل شهید بهشتی و شهید باهنر در تدوین کتب درسی آموزش‌وپروورش حضور داشتند و شاید در تربیت نسلی که انقلاب را رقم زدند، بی‌تأثیر نبودند. امروز در نظام آموزشی ایران امثال آنها حضور ندارند و متأسفانه هنرمندان، نویسندگان، جامعه‌شناسان و سایر علمای علوم انسانی هم برای حل معضل فرهنگی پیشگیری از وقوع جرم در کنار قوه قضائیه نیستند.جناب آقای رئیسی به خوبی می‌دانند اولین قدم برای ایجاد تحول تأمین منابع مالی است. در دوران رؤسای گذشته، این اتفاق رخ نداد چراکه تأمین منابع مالی در کشور ضابطه‌مند نیست و هرکس با دولت و مجلس رابطه داشته باشد موفق‌تر است و قوه قضائیه باید برای حل این مشکل، با دولت و مجلس ارتباط منسجم برقرار کند.پشتیبانی مالی و وضع بودجه‌ای دستگاه قضائی با آنچه در اسلام نسبت به وضع رفاهی قضات آمده است و مسئولیت سنگینی که در قانون اساسی به قوه قضائیه داده شده است تناسبی ندارد و این بخش به کار اساسی در مراکز تصمیم‌گیری اصلی نظام نیاز دارد و باید در مراکز تصمیم‌گیری نظام این مسئله حل شود. بررسی بودجه‌های سالیانه نشان می‌دهد رشد ارقام بودجه دستگاه‌های حاکمیتی مثل ریاست‌جمهوری، برنامه بودجه، وزارت امور اقتصادی، دارایی و مجلس شورای اسلامی چندین برابر رشد ارقام بودجه دستگاه قضائی است. تا مشکل منابع حل نشود حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی هم برای حل مشکلات مردم در ارتباط با قوه قضائیه و ایجاد امنیت قضائی، کار بسیار سختی پیش‌رو دارند. اولین قدم در تحول قضائی تأمین منابع مالی کافی است.

درباره رأی برخی همسایگان ایران به سود آمریکا

ترکم‌نستان نیز مانند تاجیکستان (!) در رأی‌گیری شرکت نکرد. روی‌هم‌رفته پیشنهاد آمریکا با ۱۱۰ رأی مخالف، در مقابل ۱۰ رأی موافق، با ۳۱ رأی ممتنع و ۴۰ غایب، مردود اعلام شد. توجه به اینکه ایران به دلیل دفاع از فلسطین با مسائل با غرب مواجه شده، اینکه از ۲۲ کشور اتحادیه عرب فقط چهار کشور علیه قطع‌نامه پیشنهادی آمریکا رأی داده‌اند، تأمل‌برانگیز است. خصوصاً با ممتنع عراق و خودداری افغانستان، تاجیکستان و ترکمنستان در مشارکت در رأی‌گیری نیز از لحاظ سیاست‌گذاری‌های آینده و لزوم توسعه روابط متعادل سیاسی با کشورها و خصوصاً با همسایگان قابل بررسی و نیازمند پاسخ مناسب در تعاملات بلندمدت است.

هستی قاسمی؛ مجلس یازدهم

اصولگرا عزمش را جزم کرده که هر کاری از دستش برمی‌آید، انجام دهد تا نگذارد آب خوش از گلوئی حسن روحانی پایین برود. مجلس یازدهم‌روزی نیست که با قوانین محدود و منقبض‌کننده خود، دست و پای دولت را برای بهبود امور بندد. نمونه اخیر آن، مصوبه اقدام فوری لغو تحریم‌ها هم‌زمان با پیروزی جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا و اعلام او برای بازگشت به برجام بود که واکنش‌های سیاسی بسیاری در پی داشت. دولت حسن روحانی نیز از سویی در این ماه‌های پایانی از عمر خود که با انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ اقدامات مجلس مصادف شده است، دلیل بهتری برای توجیه عملکرد منفعلانه خود دارد. این وضعیت در حالی است که تنها کمتر از پنج ماه به انتخابات ۱۴۰۰ زمان باقی است و هیچ اقدام دلگرم‌کننده‌ای برای بهبود اوضاع و بازگشت اعتماد عمومی به صندوق‌های رأی صورت نمی‌گیرد. بر

این اساس، «شرق» با محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا، درباره بنیادهای مجلس و دولت، قانون اصلاح انتخابات، احتمال حضور نظامی‌ها در سکنان مدیریت کشور و تبعات سیاسی آن به گفت‌وگو نشسته است که در ادامه آن را می‌خوانید.

تصمیم‌های سیاست‌مداران به‌گونه‌ای بوده که بیشترین فشار را به مردم از جمله طبقات فرودست وارد کرده است. اکنون با توجه به انتخابات ۱۴۰۰ اگر قرار باشد تغییری بزرگ در کشور رخ دهد، بیرو این تغییر چه تصمیم‌هایی به‌ویژه از سوی مجلس نباید اتخاذ شود که امید و اعتماد به جامعه بازگردد؟

در ابتدای امر باید بگویم ما دچار یک بحران تحت عنوان ناکارآمدی هستیم. در سال‌های گذشته تاکنون بروز و ظهور ناکارآمدی در قوه مقننه و مجریه بیش از حد تصور بوده است. ناکارآمدی صرفاً متوجه افراد نیست که مثلاً بگویم رئیس مجلس، فلان وزیر و مدیر ضعیف است؛ البته هریک در جای خود ضعف‌هایی در مدیریت دارند، اما ناکارآمدی بیشتر به ساختارها بازمی‌گردد و تا زمانی که این سیستم ناکارآمد از فشل‌بودن خارج نشود، تغییر افراد چندان تأثیری در بهبود اوضاع نخواهد داشت. برای نمونه، درباره قوه مقننه می‌توانیم بگویم مجلس واقعا تکلیفش با خودش روشن نیست. مجلس خودش را در راس امور می‌بیند، اما در کدام امور؟ هر پاسخی که به این سؤال بدهیم، یک تعریفی از مجلس به ما ارائه می‌دهد که می‌تواند حوزه اختیارات مجلس را روشن کند و نماینده‌های مجلس بر اساس این تعریف پای خود را بیشتر یا کمتر با به اندازه گلیم‌شان دراز کنند. می‌خواهم بگویم چون تصویر روشنی از خودشان ندارند، نمی‌توانند کارآمد باشند. تصور بر این است که نماینده‌ها، به‌خصوص در مجلس فعلی، دچار توهم شده‌اند. آنها تصور می‌کنند همه مشکلات کشور باید از طریق پارلمان حل شود؛ درحالی‌که پارلمان دو وظیفه کاملاً مشخص دارد که در انجام این وظیفه مشخص هم دچار بحران ناکارآمدی است. وقتی مجلس یازدهم شکل گرفت، این تصور را در بخش‌هایی از جامعه و صحنه سیاسی ایجاد کرد که قرار است نماینده‌های مجلس کنونی منجی سیاسی کشور شوند، اما بعد از هفت ماه هیچ اتفاقی نیفتاد. به نظر بر اساس استانداردهای حکمرانی دست‌کم در حوزه مجلس، به سال‌های خیلی دور بازگشته‌ایم. انتظار از مجلس این بود که موانع موجود بر سر راه دولت را بردارد، اما اکنون حتی موانع بیشتری هم بر سر راه دولت ایجاد می‌کنند و به قول معروف چوب لای چرخ می‌گذارند. نمونه بارز آن تصویب قانونی است که دولت را موظف به افزایش پرداخت یارانه‌های جدید کرده است؛ درحالی‌که از جیب دیگران و از جیب چالش‌های آیدنگان هزینه‌کردن هنر نیست. مجلس باید قبل از هر چیز منابع مالی هر مصوبه‌ای را مشخص کرده و بعد به دولت بگوید که فلان قانون را اجرا کرد و واقع عملکرد مجلس با این مصوبه افزایش مالیات و تشدید فشار به مردم حقوق‌بگیر و صاحبان مشاغل کوچک و متوسط شد؛ زیرا نمی‌تواند این فشار را روی گروه‌هایی که اقتصاد پنهان را اداره می‌کنند، اعمال کند. از سوی دیگر، فضایی که مجلس ایجاد کرد، عامل درگیری و چالش سیاسی میان خودش با دولت شد. اقدامی که هیچ منفعتی از آن عاید کشور نمی‌شود. نه‌تنها در این دولت که عمرش به‌زودی تمام می‌شود، بلکه در دولت دیگر هم وضع به همین منوال خواهد بود؛ یعنی سال آینده همین موقع هم خواهید دید که همین مجلس با دولت بعدی هم نخواهد ساخت. این مجلس فقط چالش‌های سیاسی را در جامعه افزایش نداد، بلکه حتی نتوانست با مردم ارتباط برقرار کند. دلیلش هم این است که مجلس یازدهم ضعف ساختاری دارد و ریشه آن برمی‌گردد به کاهش اقبال مردمی در انتخابات اسفند ۹۸. برای مثال در تهران فقط ۲۵ درصد مردم پای صندوق رأی آمدند و اکثر نماینده‌هایی هم که موفق به کسب رأی شدند، حدود ۲۰ درصد از آرای شرکت‌کننده‌ها را کسب کردند.

سیاست

محمد مهاجری در گفت‌وگو با «شرق»:

دولت در بازی مار و پله حرکت می‌کند

قالیباف سیاست‌مدار نیست



در نتیجه مجلس دارای استخوان‌بندی قرص و محکم نیست. به لحاظ عملکردی هم اقدام خاصی انجام نداده که بتواند بخشی از ضعف ساختاری و ذاتی خود را بپوشاند؛ ازاین‌رو مجلس با ایجاد دعواهای سیاسی و تصویب قوانین غیرضروری عملاً جامعه را به سمت یک چالش اساسی سوق داده است. در پاسخ به این سؤال که قوه مقننه چه کاری نباید انجام دهد، معتقدم که اگر نماینده‌ها کاری نکنند، تا چهار سال آینده هیچ اتفاق بدی نخواهد افتاد؛ جز اینکه وضعیت بهتر هم خواهد شد.

لا گرچه قانونی درباره برجام از سوی مجلس تصویب شد و واکنش‌های سیاسی بسیاری هم در پی داشت؛ اما اگر قرار باشد شاهد روی دیگر سکه از سوی مجلس یازدهم و حتی برخی از ارکان مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام آن هم در ماه‌های تصمیم‌هایی را نباید درباره برجام و FATF اتخاذ کنند تا شاهد تغییراتی در حوزه سیاسی، اقتصادی و بهبود اوضاع باشیم؟

تعبیر من درباره کار اخیر مجلس درباره برجام این است که قانون تصویب نکرد؛ بلکه اسم دیگری باید روی آن گذاشت؛ وقتی در مصوبه‌ای تأکید می‌شود هرکس که این قانون را اجرا نکرد، باید ۲۵ سال به زندان برود. در واقع عملاً مجلس با این قانون دولت را تهدید کرد و یقیناً این تهدیدات هم راه به جایی نخواهد برد. اگر مجلس می‌دانست این قانون مفید و اجرashدنی است، نیازی به اعمال شاقه برای اجرایش وجود نداشت. درباره FATF هم که اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام است، حتی اگر دو لایحه باقی‌مانده از FATF هم به تصویب برسد، هیچ اتفاق تازه‌ای رخ نخواهد داد؛ زیرا باید دو سال پیش این لایحه به تصویب می‌رسید تا اکنون مشکلی دست‌کم درباره خرید واکسن نداشته باشیم؛ بنابراین چنانچه اکنون این لایحه در مجمع به تصویب برسد، فقط یک چماق بالای سر دولت خواهد بود؛ زیرا وقتی تصویب شود، گروه اقدام ویژه مالی به‌راحتی حاضر به پذیرفتن شرایط جدید ما نیست و احتمالاً مواضع سخت‌گیرانه‌تری در مقابل ما اتخاذ خواهد کرد و موانع جدیدی خواهد گذاشت. دولت هم در این زمان تنگ به نتیجه نمی‌رسد و بعد مخالفان می‌گویند ما این لایحه را تصویب کردیم؛ ولی دولت نتوانست کار کند.

لا همان‌طورکه می‌دانید، از هم‌اکنون درباره برگزاری انتخاباتی پرشور در ۱۴۰۰ بحث‌هایی وجود دارد. شاید حتی میزان مشارکت مردم در انتخابات پیش‌رو شبیه انتخابات مجلس باشد؛ ازاین‌رو دولت در این ماه‌های پایانی از عمر خود تا انتخابات چه کارهایی را نباید انجام دهد تا شاهد افزایش میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم باشیم؟

با وجود اینکه آدم خوش‌بینی هستم، درباره میزان مشارکت در انتخابات پیش‌رو خوش‌بین نیستم؛ زیرا مجلس هر لحظه تتگناهای جدیدی برای دولت و انتخابات ایجاد می‌کند. نمونه اخیر آن اصلاح قانون انتخابات بود؛ البته مقصود این نیست که احصان کنونی مطلوب بود، چه بسا اینکه برای شورای نگهبان هم حتی باعث زحمت باشد؛ اما کاری که مجلس می‌کند، جز هسدرادن وقت خود چیزی به دنبال ندارد. این قانون دستمایه طنز در رسانه‌ها شد. از دید افکار عمومی تنها مانده سباز کت و شلوار آن فرد را هم در قانون اصلاح انتخابات مصوب کنند که در نهایت اندازه جناب آقای قالیباف باشد. وقتی مجلس چنین عملکردی در ماه‌های باقی‌مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری دارد، انتظار بیهوده‌ای است که مردم بخواهند در انتخابات مشارکت حداکثری داشته باشند. در انتخابات اسفند سال گذشته که هنوز کرونا آشکار نشده بود، میزان مشارکت مردم بسیار پایین بود؛ اما امروز با وجود

در انتخابات دو علت دارد که دلیل دوم به همان علت اول بازمی‌گردد. مردم احساس می‌کنند که در کشور کاره‌ای نیستند و در تصمیم‌ها دخالت ندارند؛ اما چرا به این نتیجه رسیده‌اند؟ به دلیل مشکلات شدید اقتصادی که در کشور وجود دارد. به غیر از درصدی که از لحاظ اقتصادی برخوردار محسوب می‌شوند، بخش عمده‌ای از مردم کشور نسبت به وضعیت اقتصادی‌شان ناراضی‌اند. معتقدم که بازگرداندن اعتماد مردم مقدمه‌اش بهبود معیشت است. همین بهبود معیشت آنها را دلگرم می‌کند و اعتماد به حاکمیت را در آنها تقویت و نتیجتاً منجر به حضور پای صندوق رأی می‌کند. پس برای افزایش اعتماد مردم و بالابردن نرخ مشارکت در انتخابات باید مردم را به وضعیت اقتصادی بهتر سوق داد. اکنون دست‌یافتن به شرایط اقتصادی بهتر امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین باید افرادی در سیستم حضور پیدا کنند که بتوانند ناکارآمدی را از بین ببرند و این تنها از عهده

نظامی‌ها برمی‌آید.

لا جناب‌عالی در حالی از ورود نظامی‌ها به عرصه سیاسی کشور دفاع می‌کنید که قبل از این‌نیز در ایران افرادی مانند محسن رضایی و مهدی‌باقر قالیباف در انتخابات حضور یافتند اما مردم از آنها استقبال نکردند، فکر می‌کنید الان با توجه به شرایط موجود، جامعه ایران پذیرای چنین مسئله‌ای باشد؟!

حضور نظامی‌ها در عرصه سیاسی کشور آفتی ندارد؛ در نهایت این است که مردم به یک نظامی رأی نخواهند داد. حتی اگر رأی هم ندهند استدلالی که من درباره حضور نظامیان عرض کردم، نقض نمی‌شود. نکته دیگر این است که بعضی از کاندیداهای نظامی دیگر مانند گذشته نظامی محسوب نمی‌شوند. آقای قالیباف دیگر نظامی نیست، او ۱۴ سال است که از سیستم نظامی‌گری فاصله گرفته و در جایگاه یک تکنوکرات قرار گرفته است. اینکه او مدیر موفق و حتی سیاست‌مدار خوبی هم نبوده نمی‌تواند پایه این حرف قرار گیرد که نظامیان نمی‌توانند موفق شوند. او ۱۴ سال در شهرداری بوده و نتوانسته به یک سیاست‌مدار مطرح تبدیل شود. این ربطی به نظامی‌گری‌اش ندارد. مجدداً عرض می‌کنم آقای قالیباف قطعاً نظامی محسوب نمی‌شود. سایر کاندیدای مطرح نظامی هم مانند چهره‌های نظامی ترکیه، پاکستان یا سایر کشورها نیستند. به‌شخصه این ایده را که نظامی‌ها می‌توانند در کشور دیکتاتوری راه بیندازند، قبول ندارم. اساساً سیستم حکومتی و اجتماعی کشور ما استبدادپذیر نیست، حتی در زمان حکومت پهلوی هم مردم استبدادپذیر نبودند. به عقیده من برجسب دیکتاتوری به نظامی‌ها تهمتی بزرگ است. بسیاری از نظامی‌ها مانند محسن رضایی قبلاً افراد سیاسی‌ای بودند که بعداً لباس رزم پوشیدند.

لا قبلاً رئیس‌جمهور نظامی در کشورهایی مانند عراق و لیبی در گذشته و مصر در حال‌حاضر تجربه شده. گمان می‌برید با توجه به تجربی تاریخی‌ای در برخی از کشورها، نظامی‌ها اساساً در حوزه مدنی می‌توانند دستاوردی داشته باشند؟

آیا به‌خاطر سبقه نظامی‌اش وارد شهرداری شد؟ آیا سبقه نظامی‌گری قالیباف تأثیری در ورود او به مجلس داشت؟ واقعا نه. اگر او یک نظامی مقتدر بود، وضعیت این نبود که اکثر جناح‌های سیاسی اصولگرا در مجلس او را قبول نداشته باشند. حتی سایر چهره‌های نظامی مانند آقایان رستم قاسمی، دهقان و سعید محمد هیچ‌یک روحیه نظامی مستبدانه ندارند. اساساً سیستم سیاسی ما استبدادپذیر نیست. مسئله مهم تفسیری است که هریک از این افراد می‌توانند داشته باشند و این البته می‌تواند مشکل‌ساز باشد. لازم نیست که یک نظامی روی کار بیاید و تفکر تند در کشور حاکم شود.

لا اما سؤال این بود که یک نظامی با توجه به سبقه‌اش می‌تواند در حوزه مدنی دستاوردی داشته باشد؟

اساساً مقایسه نظامی‌ها در ایران با سایر کشورها اشتباه است. مسئله نظامی‌گری افراد نیست؛ مثلاً فردی مانند رستم قاسمی با وجود سبقه نظامی‌گری خود در وزارت نفت هم وزیر بوده است، اما سبقه نظامی او بر مسائل دیگرش تأثیر نداشته است. دفاع من از نظامی‌ها با حمایت بسیاری از اصولگرایان از نظامی‌ها متفاوت است؛ اساساً دفاعم ایدئولوژیک نیست، بلکه کاملاً کارکردگرایانه است. در شرایط موجود، نظامی‌ها می‌توانند از لحاظ اقتصادی موفق عمل کنند، اما پرسش شما این است که با وجود نظامی‌ها، آزادهای مدنی از بین نخواهد رفت؟ باید بگویم خیر به‌هیچ‌وجه این‌طور نیست. مجدد تکرار می‌کنم لباس نظامی آنها نمی‌تواند موجب مشکل بشود. اما تفکر سیاسی آنها اگر تدروی و انصارگرایانه باشد، می‌تواند مشکل‌زا باشد؛ کمابینکه غیرنظامیان هم در این زمینه مشکل‌آفرین بوده‌اند. روحیه تک‌روی آقای احمدی‌نژاد مملکت را به بن‌بست کشاند؛ درحالی‌که نظامی هم نبود.

ادامه از صفحه ۳

روزنه

روحانی:

در تأمین ارز و ریال برای واکسن مضایقه نداریم

● شرق: رئیس‌جمهور، اولین روز کاری خود را مانند شنبه‌های گذشته با حضور در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا شروع کرد. چند روز پیش شایعه شده بود حسن روحانی کرونا گرفته و مدعیان به توییט محمود واعظی، رئیس دفتر او، اشاره می‌کردند که مشخص شد جعلی بوده است. علیرضا مغزی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر ریاست‌جمهوری، هم در توییت کرونا و قرنطینه‌شدن رئیس‌جمهور را تکذیب کرد و دلیل این شایعات را انحراف افکار عمومی از موارد دیگر دانست. روحانی در حالی روز گذشته به جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا رفت که میزان فوتی‌ها در چند هفته گذشته رو به کاهش گذاشته و به جز چند شهر شمالی، شهر قرمز نداریم. شهروندان تهرانی نیز می‌توانند از پایتخت خارج شوند و نفسی تازه کنند؛ اما مهمترین موضوع برای مردم مسئله واکسن کرونا است. رئیس‌جمهور نیز به این موضوع اشاره کرد و گفت: «یکی از مطالبات مردم این است که سریع‌تر بتوانیم واکسن مورد اطمینان را در اختیار مردم قرار دهیم و مرجع ما در واکسن سازمان بهداشت و درمان است. ما در داخل هم به دنبال این هستیم که هرچه سریع‌تر واکسن را به نتیجه برسانیم که البته اقدامات خوبی انجام شده است. در خارج هم با وجود همه محدودیت‌ها و همه مشکلات دنبال این هستیم که بتوانیم واکسن مطمئنی را خریداری و وارد کشور کنیم».

مردم وسیله آزمایش سازندگان واکسن نخواهند شد

به گزارش ایسنا، روحانی به مشکلات تهیه واکسن اشاره کرد و افزود: «ما برای خرید واکسن بیش از ۴۰ روز گرفتار نقل‌وانتقال پول بودیم. یکی از موارد و مثال‌های بسیار روشن جنباتی که آمریکا علیه ملت ایران انجام داد، در تهیه واکسن کرونا بود. آمریکایی‌ها برای جابه‌جایی پول به حساب شرکتی برای اینکه زمان نوبت‌مان، واکسن کووکس را خریداری و وارد کشور کنیم، مشکلات زیادی ایجاد کردند؛ اما دولت با همه این مشکلات اقدامات لازم را انجام داد؛ یعنی چه آنجایی که واکسن مشترک می‌خواهیم بسازیم، چه واکسن بخواهیم بخریم و چه در داخل تولید کنیم، هر جا ارز و ریال نیاز بوده، دولت بدون هیچ متناهیقه‌ای با وجود همه سختی‌ها در این زمینه با دست باز وارد شده است». او با تأکید بر اینکه برای ساخت واکسن با برای خرید واکسن هر ارزی و هر ریالی نیاز باشد، بلافاصله به هر قیمتی و با وجود همه مشکلات، آن را تأمین خواهیم کرد، گفت: «ما زودتر از این هم می‌توانستیم واکسن وارد کنیم و واکسن‌هایی در اختیار ما بود؛ اما واکسن‌ها متعلق به شرکت‌هایی بودند که می‌خواستند آن را روی مردم ما آزمایش کنند. به ما پیشنهاد دادند و وزارت بهداشت و درمان به‌حق نپذیرفت و قبول نکرد. البته برخی کشورها قبول کردند که کاری به آنها نداریم؛ بنابراین مردم ما مطمئن باشندن آنها وسیله آزمایش برای شرکت‌های سازنده واکسن نخواهند شد».

تزریق واکسن ۶ ماه زمان می‌برد

یکی دیگر از نکاتی که مردم درباره آن سؤال دارند، زمان و شیوه واکسیناسیون است. رئیس‌جمهور دراین‌باره گفت: «وقتی واکسن در اختیار ما قرار بگیرد، در فاز اول، اجرای این واکسیناسیون برای حدود یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار نفر خواهد بود که متشکل از کادر درمان که در خط مقدم‌اند و افراد پرخطر است که در سراسر سالمندان هستند یا جز، معلولان و جانبازان محسوب می‌شوند؛ بنابراین افراد پیررسک و کادر درمانی جز، فاز اول و گروه اول خواهند بود». او با بیان اینکه فاز دوم جمعیت بالاتری را در بر می‌گیرد، افزود: «در فاز دوم حدود ۱۲ میلیون نفر جمعیت که سن آنها بالاست یا بیماری زمینه‌ای دارند یا هر دو، در اولویت خواهند بود. در فاز سوم و چهارم هم حدود ۱۹ میلیون نفر را در بر می‌گیرد. تلاش ما این است که فازها کوتاه شود و در حداکثر زمان آن را اجرا کنیم و امیدواریم امسال و سال آینده این کار انجام شود». روحانی ادامه داد: «البته حتی اگر واکسن در اختیار قرار بگیرد، واکسیناسیون و اجرای آن این‌گونه نیست که در یک لحظه یا در یک روز انجام شود. اگر بخواهیم به ۶۰ میلیون نفر واکسن بزنیم؛ یعنی در دو نوبت ۱۲۰ میلیون بار باید این واکسن تزریق شود. با توجه به مکان‌های مختلف و با شیوه‌هایی که داریم، این تزریق زمان‌بر است. اگر روزی هزار نفر هم کار واکسن را انجام دهند، با توجه به ۶۰ میلیون نفر حدود چند ماه زمان می‌برد». او افزود: «اگر در روز به ۵۰ هزار نفر واکسن تزریق و این عدد ضرب در ۶۰ میلیون شود، تزریق واکسن سه ماه زمان می‌برد و اگر بخواهد دو برابر شود، زمان انجام آن هم دو برابر خواهد شد؛ بنابراین تزریق واکسن و اجرای آن زمان‌بر است که همه این موارد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است».

فربب شایعات را نخورید

روحانی همچنین از مردم خواسته به شایعاتی که گفته می‌شود واکسن در فلان جاعرضه می‌شود، توجه نکنند و تنها به متخصصان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فراگاه عملیاتی و ستاد کوش بدهند و فریب افراد سواسفاده‌گر در این شرایط را نخورند. او گفته: «خرید واکسن و تهیه آن هم جزء اولویت‌هایی است که انجام می‌شود و ان‌شاءالله در زمان آن با شرایطی که اعلام می‌شود، در اختیار مردم قرار خواهد گرفت؛ ضمن اینکه اگر واکسن آمد و تزریق آن شروع شد، به معنای کنارگذاشتن پروتکل‌ها نیست. این پروتکل‌ها باید ماه‌ها ادامه پیدا کند.